

بررسی محدودیتها و چالشهای توسعه اقتصادی روستاهای کشور

مجتبی قدیری* - دانشیار دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران
ارسطو یاری حصار** - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

چکیده

برپایه رویکردهای توسعه یکپارچه و همه جانبه هرگونه توسعه در سطح ملی مستلزم توجه به سطوح پایین تر به طور اعم و سطوح روستایی به طور اخص است. براین اساس، ریشه بسیاری از مشکلات پیش روی توسعه اقتصادی کشور را باید در روستاها جست. نوشتار حاضر به بررسی و شناخت نظام مند مهم ترین مشکلات و چالشهای فراروی توسعه اقتصادی روستاهای کشور می پردازد. از جمله مشکلات و چالشهای فرارو عبارتند از منزوی شدن روستاها و جدا ماندن تولیدات آنها از بازارهای ملی و فراملی، مشکلات تامین سرمایه و اخذ اعتبار، پایین بودن سطح درآمد سرانه خانوارها، کارایی اندک سرمایه گذارها، مشکلات گسترده فراروی بخش کشاورزی، به عنوان مهم ترین بخش اقتصاد روستایی و بخش صنعت به ویژه نواحی صنعتی، مسائل و مشکلات سازمانی نهادی و برنامه ریزی. تبلور عینی مجموع این مسائل را می توان در توسعه نیافتگی و ناپایداری عمومی روستاهای کشور به وضوح ملاحظه کرد. روش تحقیق نوشتار حاضر تحلیلی توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی جمع آوری شده است.

واژه های کلیدی: اقتصاد روستایی، توسعه اقتصادی، ساختار اقتصادی، روستا.

* Email : mghadiri@ut.ac.ir

** Email : arastoo252@yahoo.com

مقدمه

دهه ۱۹۷۰ شاهد تحول عمده‌ای در طرز تلقی اقتصاددانان نسبت به توسعه بوده است. تحولی که بر حسب آن توسعه اقتصادی روستایی را امر ناگزیر توسعه ملی می‌دانند. در حدود نیم قرن قبل (۱۳۳۹ ه. ش) لمبتون^۱ در تشریح وضعیت جامعه روستایی در ایران در کتاب «مالک و زارع» بدین‌گونه نوشته است: «بارزترین خصوصیت زندگی روستایی ناامنی است؛ زیرا عوامل طبیعی غالباً او را تهدید می‌کند، قیمت‌های بازار در نوسان است و علاوه بر این فقر و تنگدستی مهم‌ترین مسئله‌ای است که دهقان به طور دائم با آن روبه‌رو است» (لمبتون، ۱۳۶۲). امروزه علی‌رغم گذشت چندین دهه، خصوصیات زندگی روستایی تغییرات چندانی نکرده است و به رغم تحولات گسترده در تمامی بخش‌های اقتصادی روستاها و سه دوره کامل اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، ناامنی اقتصادی، نوسان قیمت محصولات، فقر و تنگدستی همچنان ویژگی اصلی جامعه روستایی و اقتصاد روستاها باقی مانده است (حجتی، ۱۵: ۱۳۸۰).

روستاهاى ایران طی ۴ دهه گذشته به دنبال پیوند با اقتصاد توانمند و سلطه جوی جهانی و باهدف انطباق و هم‌سازی با اوضاع و احوال جدید در مسیر دگرگونی قرار گرفت. برنامه‌های پنج‌گانه قبل از انقلاب اسلامی، با هدف قرار دادن صنعت به‌عنوان موتور توسعه اقتصادی تاثیر به‌سزایی در رکود و سیر قهقرایی زندگی اقتصادی مناطق روستایی داشته است. ارزیابی اجرای سه دوره برنامه توسعه بعد از انقلاب حاکی از پیش‌بینی نشدن جایگاه مستقل برای بخش روستایی در برنامه‌ریزی و توسعه ملی است. بنابراین اختلاف بین درآمد شهر و روستا نوسان قیمت محصولات، اختلاف در هزینه و درآمد و کسری بودجه خانوار (به‌ویژه به دلیل فقدان فرصت‌های جایگزین) به صورت فقر و مهاجرت به سوی شهرها نمایان می‌شود.

چالشها و محدودیتهای توسعه اقتصادی روستاها

۱- دوگانگی در عرصه‌های زندگی و جدایی فعالیت‌های سنتی و جدید در محیط‌های روستایی، در کنار محدودیت گسترش فناوریهای نو و سازگار با فناوری بومی
 مبحث فوق از چندین زاویه قابل بررسی است. نخست اینکه در عرصه‌های روستایی کشور فناوریهای بومی بسیاری وجود دارد که امروزه با وجود ورود انواع شیوه‌های جدید هنوز از قابلیت و کارایی بسیار خوبی برخوردارند. برای نمونه نظام قنات و نظام‌های استحصال آب در ایران از نمونه‌های بارز فناوری بومی است که ضمن انطباق با اصول توسعه پایدار، به نیاز آبی

کشاورزی به خوبی پاسخ می‌دهد و از هرز رفتن آن نیز جلوگیری می‌کند.

دوم اینکه، بسیاری از این نظامهای فناوری بومی در جریان ورود فناوریهای جدید غیربومی به انزوا و نابودی کشیده شده‌اند. مثلاً موتوریزه کردن شیوه استحصال آب از طریق چاههای عمیق و نیمه عمیق به خشکیدن قنات و پایین رفتن سطح سفره‌های آب زیرزمینی انجامیده است. علاوه بر موارد فوق، نکته مهم دیگر ناسازگاری بسیاری از فناوریهای جدید غیربومی با واقعیات محیطی، اجتماعی و اقتصادی موجود در عرصه‌های روستایی است. واضح است که فناوریها در شرایط محیطی و اجتماعی اقتصادی متفاوت با شرایط ایران تولید شده‌اند و به کارگیری آنها در شرایط ایران مستلزم بازاندیشی و سازگار کردن آن با ویژگیها و واقعیات مکانی فضایی موجود در عرصه سرزمینی است. به همین دلیل در بسیاری از موارد نه تنها در روشهای تولیدی و زندگی تحول مثبتی ایجاد نکرده‌اند بلکه بر ناپایداری عرصه‌های روستایی افزوده‌اند.

دوگانگی در عرصه‌های زندگی و جدایی فعالیتهای سنتی و جدید در محیط‌های روستایی، از مشکلات ساختاری دیگری است که دستیابی به توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه کرده است. در واقع، امروزه قسمت عمده عرصه‌های اقتصاد روستایی به صورت سنتی به حیات خود ادامه می‌دهند و فقط بخش محدودی از آنها که عموماً شامل طبقه مرفه می‌شود، به ابزارهای تولید دسترسی دارند. از طرف دیگر مشکلات ساختاری به ویژه در بخش اراضی کشاورزی از جمله کوچک بودن قطعات اراضی و پراکندگی آنها استفاده از فناوریهای جدید از جمله ماشین آلات کشاورزی، نظامهای آبیاری جدید و... را با محدودیت اساسی تضاد ساختاری روبه‌رو کرده است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ایجاد دوگانگی، حمایت نکردن سازمانها و ارگانهای مرتبط از فناوریهای بومی است. ترویج الگوهای متنوع مصرف، ورود فناوریهای جدید ارتباطی به جامعه روستایی (از جمله تلویزیون، ویدئو، ماهواره، اینترنت) در مجموع رواج مصرف‌گرایی در جامعه روستایی را سبب شده است و از سوی دیگر با توجه به تحول نیافتن شیوه‌های تولیدی و ساختار معیشتی تولید، منجر به تشدید دوگانگی در جوامع روستایی شده است. به عبارت دیگر در اثر ورود این پدیده‌ها به داخل جوامع روستایی نیازهای جدیدی در میان آنها شکل گرفته است ولی روشهای تولید تحولی نیافته‌اند و در نتیجه به تضاد و تناقض در جامعه انجامیده است. امروزه تضاد شدیدی بین فناوریهای جدید و دانش (و فناوریهای) بومی وجود دارد. در واقع به کارگیری روشهای نو باعث به حاشیه رفتن فناوریهای بومی و سازگار با شرایط محیطی شده است. در حالی که باید این دو را به گونه‌ای تلفیق کرد که بتوانند نقش مثبتی در سازندگی داشته باشند.

۲- موانع و محدودیتهای کالبدی و اجتماعی اقتصادی بر سر راه شرکت فعال در بازارهای محلی و ناحیه‌ای

موانع و محدودیتهای فراروی مناطق روستایی برای شرکت در بازارهای محلی و ناحیه‌ای و حتی فرانا حیه‌ای را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- عدم اطلاع از نظام و سازوکارهای بازاریابی؛

۲- موانع و محدودیتهای کالبدی اجتماعی و اقتصادی.

بازاریابی فرایندی است که سر مزرعه تا تحویل کالا به خریدار را شامل می‌شود که در این فرایند داشتن دیدگاهی نظام مند و کل نگر لازم است. برخلاف تصور بسیاری از دست اندرکاران اجرایی مرتبط با اقتصاد روستایی که عموماً بازاریابی را فقط به حضور در بازار و تحویل کالا به بازار خلاصه می‌کنند، بازاریابی فرایندی پیچیده است که مواردی نظیر جمع‌آوری، درجه بندی، بسته بندی، اطلاع از نیازهای بازار، قیمت کالاها در بازار، شناسایی خریدار، نظام حمل و نقل کالا و فراهم بودن سرمایه و اعتبار را شامل می‌شود. امروزه اطلاع از نیازهای بازار و قیمت کالاها و تولیدات از طریق شبکه‌های اطلاعاتی امکان پذیر است. با توجه به محدودیت شبکه‌های اطلاعاتی در مناطق روستایی این فرایند با مشکل مواجه شده است. با توجه به فسادپذیر بودن اغلب محصولات کشاورزی بی‌اطلاعی از نیاز بازار باعث شده است محصولات نظیر پیاز و سیب زمینی گاه‌گاهی کاملاً با ضرر مواجه شود، یعنی به علت افزایش سطح تولید، بسیاری از تولیدات فاسد می‌شود یا برعکس به دلیل تولید کم، قیمت آن به سرعت بالا می‌رود و در نتیجه تولید را در سال آتی تحت تاثیر قرار می‌دهد. سازوکارهای لازم برای درجه بندی محصولات تولیدی، وجود صنایع مرتبط با بسته بندی، انبارداری، سیلو، سردخانه، بسیار ناکارآمد و ناکافی است و توانایی لازم را برای جلوگیری از ضرر و زیان کشاورزی ندارد. به طور کلی موانع و محدودیتهای موجود در این زمینه عبارت‌اند از:

موانع و محدودیتهای کالبدی

۱- پراکندگی و دورافتادگی بسیاری از روستاها از مراکز شهری و بازار؛

۲- توپوگرافی و وضعیت نامناسب طبیعی (کوهسالی کویری و ...) روستاها؛

۳- فقدان شبکه‌های ارتباطی و سایر زیرساختها برای ارتباط دادن مراکز تولید روستایی

با بازارهای ناحیه‌ای؛

۴- استقرار نامناسب مراکز شهری و سایر مراکز بازاری؛

۵- فقدان وجود انبارهای مناسب در روستاها.

موانع و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی

- ۱- پایین بودن سطح آموزش تولیدکنندگان؛
- ۲- فقدان نظام جامع اطلاع‌رسانی؛
- ۳- فقدان نهادهای بخش خصوصی (NGO ها) در ارتباط با بازاریابی؛
- ۴- حضور گسترده سلف خران و دلانان شهری و غیر شهری در مناطق روستایی؛
- ۵- فقدان بازار خرید و فروش یا پراکندگی توزیع نامناسب و تعداد کم بازارهای مرتبط با تولیدات روستایی؛
- ۶- غلبه نظام‌های تولید معیشتی (تولید به منظور مصرف خانوار)؛
- ۷- پایین بودن بهره‌وری تولید؛
- ۸- وجود نداشتن صنایع بسته‌بندی، درجه‌بندی و فرآوری محصولات کشاورزی؛
- ۹- وجود نداشتن مؤسسات بازرگانی به‌ویژه در بخش خصوصی؛
- ۱۰- حضور نداشتن شرکتهای تعاونی در فرایندهای بازاریابی و پایین بودن قدرت چانه‌زنی تولیدکنندگان روستایی؛
- ۱۱- کیفیت پایین تولیدات روستایی؛
- ۱۲- نظارت ضعیف دولت و سازمانهای مرتبط بر بازار تولید روستایی.

۳- مسائل و محدودیت‌های اعتباری و سرمایه‌ای

یکی از مهم‌ترین موانع فراروی توسعه منابع اقتصادی در نواحی روستایی کشور، مشکل تامین اعتبار و تامین سرمایه است. نظام مالی کشور به‌گونه‌ای است که به رغم زیادی فقیران به نسبت مرفهان، در نواحی روستایی، قسمت عمده منابع مالی و اعتباری در نهایت نصیب گروه دوم می‌شود و نیازمندان واقعی از آن بی‌بهره می‌مانند. در حقیقت گروه‌های فقیر روستایی ابزارها و توانایی لازم برای دستیابی به این منابع را ندارند.

نظام‌های نامناسب مالی در روستاها، زمینه را برای ورود دلانان و افراد سودجو و وابسته شدن روستاییان به آنان فراهم کرده است. از سویی انجام هر فعالیت در نواحی روستایی نیازمند اخذ اعتبار و سرمایه است. بررسی تجارب کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که روشهای مناسب و زیادی برای حل مشکلات مرتبط با تامین اعتبار و سرمایه روستاییان وجود دارد. مشکلات موجود در این زمینه به اختصار عبارت‌اند از:

- ۱- نبود وجود تشکلهای و نهادهای تعاونی در زمینه اخذ و ارائه وام و سایر منابع اعتباری؛
- ۲- ارائه نکردن خدمات آموزشی به روستاییان در زمینه نحوه استفاده از سرمایه و اعتبار؛
- ۳- بی‌توجهی به تامین اعتبارات خرد و سرمایه‌های اندک روستاییان؛

- ۴- نبود مؤسسات مختلف مالی در زمینه تامین اعتبار و سرمایه در نواحی روستایی؛
- ۵- دسترسی نداشتن زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری،
- ۶- پیچیدگی سازوکارهای اخذ اعتبار در نواحی روستایی؛
- ۷- مشکل تامین وثیقه و ضامن برای روستاییان برای اخذ وام؛
- ۸- مشارکت نکردن بانکها در تامین اعتبار پروژههای اقتصادی با در صد ریسک بالا؛
- ۹- انعطاف ناپذیری نظامهای بانکی در نحوه تخصیص و توزیع اعتبارات (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶: ۹۶).

۴- بازسازی نظام آماری و اطلاع رسانی

یکی از اولویتهادر فرایند برنامه ریزی توسعه روستایی کشور، گردآوری و تامین اطلاعات و آمار مورد نیاز از طریق نظام آماری کارآمد است. متأسفانه در وضع موجود، اطلاعات و آمار روستایی به ویژه در سطح منطقه ای و محلی محدود، ناقص و غیردقیق است و به همین دلیل در برنامه ریزیها نمی توان تصمیمات دقیق و صحیحی اتخاذ کرد. با توجه به تنوع نواحی روستایی و با در نظر گرفتن این نکته که هر روستا در کشور به تنهایی یک پروژه محسوب می شود؛ گردآوری، تنظیم و ارائه اطلاعات تفصیلی از وضع روستاها در زمینه های مختلف و تشکیل بانک اطلاعاتی جامع ضروری است. در سالهای اخیر، تشکیل پایگاه اطلاعات رایانه ای آبادیهای کشور توسط مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (وزارت جهاد کشاورزی) گام بسیار خوبی در این فرایند بوده است، ولی مشکلات نظام آماری کشور و ناهماهنگی بین ارگانها و نهادهای مسئول گردآوری و تنظیم آمار و اطلاعات از یک طرف و مشکلات و موانع فرهنگی در زمینه ارائه صحیح و کامل اطلاعات از طرف دیگر، مانعی برای تامین و ارائه اطلاعات تفصیلی روستایی بوده است. علاوه بر این، وجود تنگ نظریهای موجود در مراکز دولتی برای ارائه آسان و کامل اطلاعات و آمار از دیگر مشکلات در این زمینه است (رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

۵- پایین بودن سطح درآمد روستاییان و نسبت نابرابر در آمد هزینه خانوارهای روستایی

و شهری

آمار و ارقام مربوط به درآمد و هزینه خانوارهای روستایی بیانگر ناهماهنگی بین هزینه ها و درآمدهای خانوار روستایی و هم چنین فاصله بانواحی شهری است. جدول ۱ متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی را نشان می دهد.

جدول ۱- متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی

سال	شهری (ریال)	روستایی (ریال)	نسبت شهری و روستایی
۱۳۸۳	۴۷۲۶۷۷۸۴	۲۷۸۸۳۶۵۶	۱/۷

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴)

همان طور که ملاحظه می شود متوسط درآمد خانوار شهری به خانوار روستایی ۱/۷ برابر و حاکی از شکاف در آمدی میان خانوارهای شهری و روستایی است. متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری ۱/۵۳ برابر متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۸۳ بوده است. این رقم برای هزینه های خوراکی و دخانی ۱/۰۱ برابر و برای هزینه های غیر خوراکی ۱/۸۶ برابر است که حاکی از وجود تفاوت در سطح زندگی و مصرف خانوارهای شهری و روستایی است (جدول ۲).

جدول ۲- متوسط هزینه های خالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی در سال ۱۳۸۳ (هزار ریال)

شرح	شهری	روستایی	نسبت شهری به روستایی	
			۱۳۸۳	۱۳۷۵
کل	۵۱۴۷۹	۳۳۵۴۴	۱/۵۳	۱/۵۸
هزینه های غیر خوراکی	۳۸۲۸۱	۲۰۵۱۳	۱/۸۶	۲/۰۵
هزینه های خوراکی و دخانی	۱۳۱۹۸	۱۳۰۳۱	۱/۰۱	۱/۰۴

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳)

همچنین نسبت هزینه به درآمد یک خانوار روستایی در سال مزبور ۱۲۰ درصد است. این کسری در درآمد در خانوارهای روستایی خود می تواند بیانگر وجود فقر و متعاقب آن محرومیت های اقتصادی در روستاها باشد که در نتیجه این فقر و تلاش برای دستیابی به درآمد بیشتر، روند مهاجرت از روستا به شهر تسریع می شود. در مجموع با مروری بر درآمد و هزینه روستاییان به این نتیجه می رسیم که هزینه های سالیانه روستانشینان به طور متوسط در طول چند دهه اخیر بیش از درآمد آنان بوده است.

۶- سنگینی بار معیشتی

برطبق نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانوار روستایی در سال ۱۳۷۷ متوسط تعداد افراد شاغل خانوارهای روستایی ۱/۶ نفر و متوسط تعداد افراد دارای درآمد، ۱/۳ نفر بوده است و ۹/۷ درصد خانوارها نیز بدون فرد شاغل بوده‌اند که با توجه به متوسط اعضای خانواده‌های روستایی کشور که معادل ۵/۴ نفر است، معرف سنگینی بار معیشت در روستاهاست (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸). در عین حال با عنایت به درآمد اندک حاصل از فعالیتهای کشاورزی و مشاغل روستایی، این امر معرف وجود فقر مزمن در روستاست.

۷- کارایی اندک سرمایه‌گذاریهای توسعه‌ای در روستا

محروریت شدید و مزمن روستاها موجب می‌شود که هم در بودجه‌بندیهای سالانه و هم در برنامه‌ریزیهای چندساله بخشی از منابع مالی و سرمایه‌ای که عملاً می‌باید در خدمت افزایش ثروت، تولید و اشتغال در کل جامعه قرار گیرد، صرف ایجاد زیربناها در روستاها شود؛ اما کارایی اقتصادی آن به دلایل زیر اندک است:

- ۱- پراکندگی زیاد روستاها و کم جمعیت بودن آنها؛
- ۲- هزینه زیاد نگهداری تاسیسات عمومی و فعالیتهای عمرانی انجام شده در روستاها و فقدان آگاهیهای لازم برای کسب مشارکت مطلوب در این زمینه؛
- ۳- مخاطره‌پذیری شدید فعالیتهای کشاورزی به دلیل قابلیت مهارپذیری کمتر در فرایند تولید در مقایسه با بخش صنعت و خدمات و محدودیت ایجاد فرصتهای جدید شغلی در این بخش در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی؛
- ۴- بالا بودن سرانه سرمایه‌گذاریهای عمرانی و زیربنایی در روستاها؛
- ۵- محدودیت زنجیر مبادلات بین بخشی در جامعه و اقتصاد روستایی؛
- ۶- مهارناپذیری جریان خروج نخبگان از جامعه روستایی به دلیل وجود مسئله مازاد نیروی کار در بخش کشاورزی.

بنابراین می‌توان گفت اگرچه از بعد انسانی و اجتماعی تخصیص بخشی از منابع سرمایه‌ای به نوسازی و عمران روستایی ضروری است، اما این تخصیص از بعد کارایی اقتصادی چندان توجیه‌پذیر نیست (حسینی ابری، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

یکی دیگر از چالشهای فراروی روستا کمبود سرمایه توأم با وجود بانکهایی است که جز سودآوری اندیشه دیگری ندارند. در حقیقت بانکها برای اقتصاد کلان روستا طرح و برنامه خاصی ندارند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۸۴).

۸- تنگناها، مشکلات و محدودیتهای نواحی صنعتی روستایی و صنایع روستایی با توجه به این که دو بخش اصلی اقتصاد روستایی، بخش کشاورزی و صنعت است و بسیاری از مشکلات و چالشهای اقتصادی روستاها مستقیم و غیرمستقیم با این بخشها مرتبط است، تنگناها و محدودیتهای این دو بخش به طور موردی و به صورت زیر ارائه می شود (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵: ۵۸۳-۵۸۶).

الف) نقاط ضعف

- ۱- انجام ندادن مطالعات امکان سنجی و ظرفیت یابی در زمینه مکان یابی نواحی صنعتی؛
- ۲- نبود جایگاه قانونی مناسب در مقابل سازمان شهرکهای صنعتی؛
- ۳- فقدان هماهنگیهای لازم درون وزارتخانه ای و درون سازمانی در ایجاد و تکمیل نواحی صنعتی؛
- ۴- احساس رقابت نابرابر میان نواحی صنعتی روستایی و شهرکهای صنعتی و پیامدهای منفی حاصل از آن؛
- ۵- بی توجهی به دستورات عملی و ضوابط مربوط به نواحی صنعتی روستایی از جمله مطالعات مکان یابی و واگذاری زمین؛
- ۶- نظارت ناکافی بر عملیات ایجاد نواحی صنعتی و نیز ضعف نگهداری از آن پس از تکمیل؛
- ۷- مشخص نبودن مرجع و شرح وظایف تصویب ناحیه صنعتی با توجه به تمهیداتی که در اجرای آن باید مورد توجه قرار بگیرد؛
- ۸- طولانی بودن زمان به بهره برداری رسیدن نواحی صنعتی؛
- ۹- عدم پیگیری لازم جهت جلب مشارکت صاحبان سرمایه در احداث و تکمیل نواحی صنعتی؛
- ۱۰- تداخل وظایف و شرح خدمات نواحی صنعتی با پاره ای از نهادهای مشابه؛
- ۱۱- عملکرد نامناسب بیش از ۴۰ درصد از نواحی صنعتی روستایی کشور.

ب) تحدیدها

- ۱- سودآوری نبودن تعداد زیادی از فعالیتهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی در مقایسه با فعالیتهای خدماتی؛
- ۲- ضعف مدیریت و دانش فنی صاحبان واحدهای تولیدی؛
- ۳- نبود نظام خدمات پشتیبانی تولید و بازار یابی
- ۴- بی علافتگی به سرمایه گذاری در محیطهای کوچک به دلیل مسائل فرهنگی و امنیتی؛

- ۵- ناتوانی تولیدات نواحی برای رقابت با کالاهای مشابه تولید انبوه از نظر کیفیت و قیمت تمام شده؛
- ۶- محرومیت از امتیازات مشابه شرکت شهرکهای صنعتی به رغم نیازمندی بیشتر به آنها؛
- ۷- تخصیص نیافتن بودجه و اعتبار کافی با توجه به حجم نیاز و توان استانها برای به بهره‌برداری رساندن واحدهای تولیدی؛
- ۸- دیدگاه خاص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در مورد نواحی صنعتی و بی‌اعتقادی به ضرورت ایجاد آن به دلیل وجود تفکر موازی بودن عملکرد نواحی صنعتی روستایی با کارکردهای شهرکهای صنعتی؛
- ۹- تصویب نشدن لایحه حمایت از نواحی صنعتی روستایی در دولت؛
- ۱۰- ایجاد شهرکهای صنعتی در مجاورت نواحی صنعتی؛
- ۱۱- همکاری نکردن مؤسسات و بانکها در تسهیل روند مسائل مالی و اعتباری نواحی صنعتی؛
- ۱۲- پیوند نداشتن صنایع روستایی با واحدهای بزرگ‌تر؛
- ۱۳- عدم استفاده و بهره‌برداری صحیح از امکانات بالقوه و بالفعل موجود؛
- ۱۴- تبدیل بعضی از روستاها به شهرها و قرار گرفتن نواحی صنعتی در حومه شهرها؛
- ۱۵- نبود نیروی انسانی متخصص و سرمایه‌گذار بومی در محل احداث ناحیه صنعتی؛
- ۱۶- بی‌ثباتی اقتصادی کشور به ویژه در بخش صنعت به دلیل نبود سیاست مشخص صنعتی؛
- ۱۷- بی‌تناسبی روند تخصیص اعتبار به طرحهای نواحی صنعتی با برنامه زمانبندی ایجاد ناحیه؛
- ۱۸- وضعیت زیست محیطی نواحی صنعتی که نیازمند بازنگری کلی متناسب با قوانین و مقررات جاری است؛
- ۱۹- دوری نواحی صنعتی از بازارهای فروش و هزینه‌های مرتبط با آن.

۹- مشکلات و تنگناهای موجود در بخش کشاورزی

بخش کشاورزی ایران با چالشهای جدی مواجه است. منابع پایه شامل آب، خاک، جنگلها و مراتع در معرض تهدید قرار دارند. «تشکیل سرمایه» در بخش کشاورزی اندک و «نیروی انسانی شاغل» در آن عمدتاً دانش کافی ندارد. مقیاس واحدهای بهره‌برداری عمدتاً غیراقتصادی و غیرفنی است و تولید در آنها اندک است. چاره‌اندیشی برای مشکلات فوق و برون‌رفت از این وضع نیازمند توجه به زمینه‌های بروز این مشکلات است. ساختار موجود



بخش کشاورزی عناصر لازم را برای تغییر ندارد. در این ساختار امکان جذب سرمایه، نیروی انسانی متخصص و به‌کارگیری فناوریهای جدید بسیار مشکل و موجب کاهش بهره‌وری عوامل تولید شده است. ضعف بنیانهای تولید و فقدان اطلاعات کافی از عوامل تولید، امکان حفظ منابع پایه موجود نظیر خاک و آب را غیرممکن کرده است. هر ساله قسمتی از این عوامل از دایره فعالیت‌های بخش خارج و رویت تولید محدودتر می‌شود.

تنگناهای ساختاری

از جمله مشکلات اساسی بخش کشاورزی در ایران مرتبط با ساختار اراضی آن است که شامل اندازه، تعداد و پراکندگی قطعات زراعی است. جدول ۳ توزیع واحدهای بهره‌برداری را در بخش کشاورزی بر حسب تعداد و مساحت نشان می‌دهد.

جدول ۳ - تعداد و مساحت واحدهای بهره‌برداری اراضی ایران در سال ۱۳۸۲

سطحات بهره‌برداری	جمع کل	کشتزار				
		کشتزار ۱ هکتار	کشتزار ۵ هکتار	کشتزار ۱۰-۲۰ هکتار	کشتزار ۲۰-۵۰ هکتار	۵۰ هکتار و بیشتر
تعداد	۳۳۸۰۷۲۹	۱۲۰۵۰۲۲	۱۳۱۹۱۶۲	۷۸۶۳۳۶	۱۳۵۶۴۹	۳۳۷۵۰
تعداد بهره‌بردار	۱۰۰٪	۳۴	۳۷	۲۲	۴	۹۰٪
مساحت	۱۷۶۶۵۱۹۸	۴۰۷۰۷۰	۳۰۳۲۲۲۰	۷۰۱۹۱۶۷	۳۷۲۶۳۳۷	۳۳۷۰۴۰۵
مساحت	۱۰۰٪	۲	۱۷	۴۰	۲۱	۲۰

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲)

تحلیل آمار و ارقام جدول فوق بیانگر موارد زیر است:

- ۱- حدود ۳۴ درصد از بهره‌برداران یک هکتار مساحت دارند و بیش از ۷۰ درصد آنها کمتر از ۵ درصد هستند.
- ۲- تنها ۲۷ درصد از بهره‌برداران مساحتی بالغ بر ۵ هکتار دارند.
- ۳- کمتر از ۵ درصد از بهره‌برداران بالغ بر ۴۰ درصد از مساحت اراضی را در اختیار دارند.
- ۴- ۳۴ درصد از بهره‌برداران (کمتر از یک هکتار) فقط ۰/۰۲ از مساحت کل اراضی را در اختیار دارند.
- ۵- ۷۱ درصد از بهره‌برداران کمتر از ۲۰ درصد از مساحت کل اراضی را در اختیار دارند.

جدول ۴- شمار و مساحت بهره‌برداریهای اراضی در مقاطع زمانی ۱۳۷۲-۱۳۳۹ (تعداد: هزار) (مساحت: هزار هکتار)

۱۳۷۲		۱۳۵۲		۱۳۳۹		اندازه بهره‌برداریهای (هکتار)
مساحت	تعداد بهره‌برداریهای	مساحت	تعداد بهره‌برداریهای	مساحت	تعداد بهره‌برداریهای	
۳۱۱	۸۶۸	۲۶۰	۷۳۴	۱۹۹	۴۹۲	کمتر از یک
۵۴۴	۴۲۳	۴۴۴	۳۲۲	۳۷۲	۲۵۶	۱-۲
۲۰۰۲	۶۵۸	۱۷۳۳	۵۴۲	۱۵۵۴	۴۷۴	۲-۵
۲۸۹۷	۴۳۴	۲۹۵۳	۴۲۸	۳۴۱۳	۳۴۰	۵-۱۰
۶۹۹۸	۳۹۸	۷۵۰۱	۴۲۸	۲۵۶۴	۳۰۲	۱۰-۵۰
۱۳۰۱	۲۱	۱۰۷۳	۱۶	۵۶۴	۸	۵۰-۱۰۰
۱۴۰۸	۷	۲۴۵۴	۱۰	۹۹۱	۴	۱۰۰ و بیشتر
۱۵۴۵۹	۲۸۰۸	۱۶۴۱۸	۲۴۸۰	۱۱۳۵۶	۱۸۷۷	جمع

(منبع: محقق، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در طول زمان بر تعداد قطعات زراعی به‌ویژه بهره‌برداریهای خرد افزوده شده است. بر طبق آمارهای ارائه شده، غالب واحدهای تولید کشاورزی ابعاد خرد دارند و کشاورزی دهقانی محور اصلی را در ایران تشکیل می‌دهد. هر چند کوچکی اندازه بهره‌برداریهای از دیدگاه اقتصاددانان پدیده‌ای نامطلوب است. اما، اگر این واحدها نتوانند حداقل درآمد لازم را برای معاش خانوار خود تامین کنند، قدرت پذیرش فناوری آن به علت پایین بودن توانایی مالی، کاهش می‌یابد.

افزون بر تنگنای کوچکی مزارع، مسئله دیگری که واحدهای تولید کشاورزی در بیشتر مناطق با آن روبه‌رو هستند، پراکندگی قطعات در داخل مزارع است؛ به‌گونه‌ای که در برخی نقاط تعداد این قطعات گاهی به بیش از ۲۰ قطعه می‌رسد. در چنین شرایطی به دلیل محدودیت در به‌کارگیری مکانیزاسیون و سایر فناوریهای جدید، مسائل زیر گریز ناپذیر است: اتلاف وقت و زمان، اتلاف سرمایه، بهره‌وری پایین تولید، بهره‌وری پایین نیروی انسانی و عوامل تولید، محدودیت در ارائه خدمات، از بین رفتن اراضی و پرت منابع آب و خاک (ناپایداری منابع آب و خاک)، افزایش هزینه‌های تولید، درآمندانک، مضاعف بودن زحمات طاقت‌فرسا.

تنگناهای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری

در این بعد نیز بخش کشاورزی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست:

۱- نخستین مشکل مربوط به طبیعت برنامه‌ریزی است که نوعی برنامه‌ریزی از بالا به پایین است و اغلب به دست کسانی انجام می‌گیرد که از واقعیتهای کشاورزی بی‌اطلاع‌اند. مشارکت نکردن کشاورزان در برنامه‌ریزی و فقدان نهادهایی که کشاورزان بتوانند خواسته‌ها و دیدگاههای خود را به تصمیم‌گیران منتقل سازند، از جمله نقاط ضعف عمده برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در ایران است.

۲- ناهماهنگی بین بخش تولید غذا، بازاریابی، تقاضا و مصرف مواد غذایی مشکل دیگری است. بیشتر سیاستهای کشاورزی در خلا و بدون توجه به این جنبه‌ها انجام می‌گیرد. در حالی که وزارت جهاد کشاورزی خود را مسئول تولید غذا می‌داند، سیاستهای خود را با نیازهای غذایی هماهنگ می‌کند و به بیان دیگر، اغلب به تولید به عنوان بخشی مستقل نگاه می‌کند، به بازاریابی و نگهداری و جنبه‌های توزیعی و مهم‌تر از همه، به ضایعات به عنوان پدیده‌ای که باعث کاهش میزان تولید روزانه و عرضه به بازار و در نتیجه افزایش قیمت مصرف‌کننده می‌شود، توجه چندانی نمی‌کند.

۳- مشکل کوچکی و پراکندگی واحدهای تولید کشاورزی به‌گونه‌ای دیگر خود را در برنامه‌ریزی نشان می‌دهد. برخلاف بخش صنعت که حتی سرمایه‌گذاریهایی اندک دولت در زمینه تولیدات خاص مانند پتروشیمی یا آلومینیوم می‌تواند تحولی در آن رشته‌ها به وجود آورد و هدفهای مورد نظر را برآورده سازد، برنامه‌ریزی در بخش کشاورزی با هدف تامین غذا برای همه افراد جامعه نیازمند آن است که هزاران کشاورز خرده‌پا در پهنه‌ای گسترده بدان پاسخ مساعد دهند. برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در جهت امنیت غذایی، زمانی از موفقیت برخوردار می‌شود که برنامه‌ریزان بتوانند آن را با نیازهای غذایی جامعه با هدف تهیه سفره غذایی مطلوب هماهنگ سازند.

۴- تنگنای دیگر در برنامه‌ریزی کشاورزی، زمینه سیاسی مسئله غذا و برتری گروههای مصرف‌کننده شهری به عنوان گروه فشار است. در ایران دولتها از جهات مختلف برای پایین نگه داشتن قیمت مواد غذایی مصرف‌کنندگان شهری، کوشیده‌اند. به عنوان بخشی از این سیاستها، می‌توان از خرید محصولات کشاورزی به بهای پایین از کشاورزان و اهرم قرار دادن واردات در جهت تنظیم بازار نام برد.

۵- بررسی سیاست نرخ‌گذاری برخی از محصولات مانند گندم نشان می‌دهد که در بیشتر سالها دولت به سبب اندک بودن بودجه و کاهش بار مالی یارانه‌ها، بخشی از هزینه یارانه را به کشاورزان منتقل کرده است.

- ۶- هر چند استفاده از فناوری در چارچوب استفاده از بذر اصلاح شده، کود شیمیایی، سموم و نیز ماشین آلات مدتی است که در میان کشاورزان رایج شده است، اما هنوز بهره‌وری زمین، یا به بیانی دیگر عملکرد محصولات، در مقایسه با استانداردهای جهانی پایین است.
- ۷- یکی از عوامل مؤثر در کاهش عملکرد، رکود و ضعف مراکز پژوهشی در پاسخ به نیازها و حل مسائل جدید کشاورزان است. نظام تحقیقاتی و پژوهشی در بخش کشاورزی، به رغم برخی موقعیتهای نسبی در طی دهه‌های اخیر، توانایی لازم را برای پاسخگویی به شرایط تازه ندارد.
- ۸- تخصیص ندادن بودجه لازم برای تحقیقات کشاورزی. با اینکه بانک جهانی بودجه مطلوب را ۲۱ درصد تولید ناخالص کشاورزی تعیین کرده این رقم در ایران کمتر از ۰/۴ درصد است.
- ۹- کیفیت نسبتاً پایین کارکنان تحقیقاتی در مراکز کشاورزی که عمدتاً ناشی از ضعف انگیزه و سازماندهی مراکز تحقیقات کشاورزی است.

وسعت کشور و اراضی اندک کشاورزی

پهنای سرزمین ایران این شبهه را پدید آورده است که کشور به لحاظ خاکهای مناسب کشاورزی محدودیت ندارد. این تلقی حتی نزد مسئولان تصمیم‌ساز، به نوعی سهل‌انگاری در حفظ منابع ارضی کشور منجر شده است و لذا هر نوع تغییر کاربری اراضی کشاورزی به آسانی پذیرفته می‌شود. نبود اطلاعات به روز و دقیق در زمینه خاکهای کشور در مقیاس مناسب شاید دلیل دیگری بر خوش بینی‌های موجود باشد.

مطالعات مؤسسه خاک و آب وزارت جهاد کشاورزی و هم‌چنین نتایج تفسیر تصاویر ماهواره‌ای نشان از محدودیت‌های فراوان اراضی مناسب کشت دارد. در این بررسیها وسعت محدوده‌های مناسب کشت حداکثر ۲۴ میلیون هکتار است که در جدول ۵ دیده می‌شود.

جدول ۵ - مساحت و سهم اراضی مناسب کشت در کشور

ردیف	قابلیت اراضی	مساحت (هزار هکتار)	سهم (درصد)
۱	زراعت آبی	۷۱۷۵	۲/۴
۲	زراعت آبی و درخت کاری	۵۹۹۲	۳/۷
	جمع	۱۳۱۶۷	۸/۱
۳	زراعت دیم	۸۱۴۹	۵
۴	زراعت دیم و مرتع	۲۰۹۱	۱/۳
	جمع	۱۰۲۴۰	۶/۳
	جمع ردیفهای ۱ تا ۴	۲۳۴۰۷	۱۴/۴

(منبع: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۸)

گسترش شهرها و تغییر کاربری اراضی کشاورزی

باروند فعلی افزایش جمعیت و گسترش مناطق شهری، جمعیت شهری کشور تا سال ۱۴۰۰ به حدود ۲ برابر فعلی خواهد رسید. یعنی حدود ۵۰۰ هزار هکتار به وسعت شهرها اضافه خواهد شد. از آنجا که شهرهای کشور غالباً در میان اراضی حاصلخیز کشاورزی واقع شده‌اند، گسترش آنها به انهدام این ثروت ملی خواهد انجامید. اگر محدوده‌های اطراف شهرها که به تدریج برای فعالیتهای غیرکشاورزی اختصاص می‌یابد، به مساحت شهرها اضافه شود، بخش مهمی از اراضی کشاورزی کشور از حیطة تولید خارج خواهد شد. زیرا تغییر کاربری اراضی حاشیة شهرها در سطحی گسترده‌تر از فضای شهرها صورت می‌گیرد.

ظرفیتهای فنی و سرمایه‌ای کشور نیز برای آماده‌سازی اراضی نوآباد با توجه به سیاستهای جاری بسیار محدود است. ضمن اینکه به علت محدود بودن خاکهای مناسب زراعی حتی در نبود محدودیتهای فوق این امکان کاهش می‌یابد. تنها راه موجود تهیه نقشه اراضی زراعی و خاکهای مناسب در مقیاسهای عملیاتی است تا بدین وسیله گسترش شهرها به اراضی با کاربری غیرکشاورزی سوق داده شود (همان: ص ۱۰۶).

فقدان نظام بیمه محصولات کشاورزی و تامین اجتماعی کشاورزان

بامرو سیر تکاملی تاریخی شیوة تولید روستایی در ایران درمی‌یابیم که در حال حاضر نه تنها سازوکارهای جدید برای تامین رفاه و امنیت بهره‌برداران کشاورزی تدارک دیده نشده است، بلکه بانفوذ مدرنیته در فرایند تولید کشاورزی در ایران، تشکیلات نهادی شده و ترتیبات سازمان یافته سنتی نیز که بخشی از هنجارهای اقتصادی و ارزشهای اجتماعی اقتصادی پذیرفته شده روستایی بودند، کارکردهای سنتی خویش را از دست داده‌اند (شیرزاد، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

یکی دیگر از معضلات و مشکلات اساسی بخش کشاورزی فقدان نظام جامع بیمه محصولات کشاورزی است که تلاش برای کارایی مالی آن، کاربرد آن را در مورد انبوه مزارع کوچک و متوسط کاهش می‌دهد. با توجه به شرایط طبیعی و اقتصادی کشور مخاطراتی که سرمایه‌گذاری در کشاورزی را تهدید می‌کند، بسیار جدی است و تولید کشاورزی در ایران همواره در معرض بلایای طبیعی و غیر طبیعی قرار دارد. از طرفی چون قسمت اعظم و جوه نقدی در خانوارهای کشاورز ایران در هر دوره بهره‌برداری به عنوان سرمایه وارد چرخه تولید می‌شود، حتی کمترین خطر و تهدید، آثار بسیار شدیدی در زندگی آنها بر جا می‌گذارد. بیمه کشاورزی، بالاترین ظرفیتهای عملیات و بیشترین قابلیتها را برای مقابله با این گونه مخاطرات دارد.

با توجه به نقش بیمه کشاورزی در کشاورزی، عمده‌ترین نارساییها و محدودیتهای توسعه

بیمه کشاورزی عبارت‌اند از (رسول اف، ۱۳۸۰: ۱۹):

- ۱- محدودیتهای قانونی در اساسنامه در زمینه بیمه عوامل تولید؛
 - ۲- محدودیت دولت در حمایت از صندوق بیمه محصولات کشاورزی؛
 - ۳- متناسب نبودن ساختار تشکیلاتی صندوق بیمه؛
 - ۴- محدود بودن تعرفه‌ها و مشارکت ناکافی بهره‌برداران؛
 - ۵- آشنایی ناکافی کشاورزان و فعالان بخش با فرهنگ بیمه و مزایای آن.
- در مجموع ضعف مسائل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت نداشتن سرمایه و رشد نکردن تولیدات تخصصی نیز علاوه بر موارد بالا باعث شده است که بیمه نتواند در بخش کشاورزی جایگاه ویژه‌ای یابد (جوادیان و فرزانه، ۱۳۸۲: ۲۵۲).

سیاستهای دخالت‌گرایانه دولت

سیاستهای دخالت‌گرایانه دولت از طریق پایین نگه داشتن قیمت محصولات عمده کشاورزی (با هدف تامین امنیت غذایی برای همه گروههای مردم)، کمک بلاعوض برای نهاده‌های مصرفی، قیمت‌های تثبیتی محصولات کشاورزی و یارانه وسیع مصرف‌کننده موجب شده است که بخش کشاورزی نتواند از طریق کسب قیمت واقعی محصولات کشاورزی، سرمایه لازم را برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی به دست آورد، به طوری که این سیاستها مانع انباشت حمایتی و کنترل‌های لازم بوده است. بنابراین موضوع تمرکز فعالیت‌های بخش خصوصی در بخش دولتی را عمدتاً باید در چارچوب سیاستهای دولت بررسی کرد. دولت به منظور اجرای سیاستهای فوق از طریق ایجاد دفاتر و تشکیلات وابسته، بازار را کنترل و قیمت‌ها را تثبیت کرد. دخالت دولت در بازار و حذف رقابت، کارایی در تولید را کاهش داد و بهره‌برداریهایی بی‌رویه و ناپایدار رواج یافت. راه حل اساسی این موانع مشارکت مردم و بخش خصوصی به جای سیاستهای اقتصادی متمرکز دولتی است. سیاستهای آزادسازی اقتصادی می‌تواند دخالت‌های غیرضروری را کاهش دهد (رسول اف، ۱۳۷۴: ص ۲۱).

چالشهای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

در بحث چالشهای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌توان به «نرخ بازدهی سرمایه»، «کمبود اعتبارات ارزی و ریالی برای تشکیل سرمایه»، «فراهم نبودن امکانات برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی»، «ضعف سازوکارهای ارشادی و هدایت‌کننده»، سودآوری و امنیت بیشتر در سایر بخشهای اقتصادی» اشاره کرد.

جدول ۶ - نسبت سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی به کل سرمایه‌گذاری

سالهای سرمایه	سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی (میلیارد ریال)	درصد نسبت به سرمایه‌گذاری کل
۱۳۶۸	۳۶۵/۶	۴/۲۰
۱۳۷۲	۴۳۸/۱	۴/۲۰
۱۳۷۳	۳۴۷/۰	۳/۹۰
۱۳۷۴	۳۱۷/۲	۳/۹۰
۱۳۷۵	۴۸۳/۸	۴/۵۰
۱۳۷۶	۴۶۷/۴	۴/۱۱
۱۳۷۷	۴۱۲/۰	۳/۵۰
۱۳۷۸	۵۰۰/۶	۳/۹۳
۱۳۷۹	۷۷۸/۸	۵/۵۰
۱۳۸۰	۷۱۵/۶	۴/۶۰

(منبع: حقوقی، ۱۳۸۱: ۲۴۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نسبت رشد سرمایه‌گذار یها سیر کندی دارد و متناسب با اقتضائات روز تحول نیافته است. مانع اساسی برای توسعه سرمایه‌گذار یها در بخش کشاورزی و به‌ویژه جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی، فقدان بسترها و نیز شرایط لازم برای این امر است (همان: ۲۴۲-۲۴۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی موجود در روستاهای کشور شامل مجموعه‌ای است که تمامی آنها در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند و بنابراین اتخاذ هرگونه راهکار برای حل آنها نیز مستلزم توجه به این واقعیت (کل‌نگری) است. در واقع مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های فراروی توسعه اقتصادی روستایی را می‌توان در ابعاد مختلف از جمله فقدان امکان تامین سرمایه، فقر گسترده، فقدان کارایی و بازده سرمایه‌گذار یهای موجود، مشکلات مرتبط با برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای، مشکلات نهادی، ساختار نامناسب و ناقص تولید در بخش اول اقتصادی و فقدان پیوند کارآمد بین بخش کشاورزی و صنعت، جدافتادگی عرصه‌های تولید روستایی از بازارهای ملی و فراملی، حاشیه‌ای شدن اقتصاد روستایی در

اقتصاد ملی در اثر رانت های نفتی، غلبه اقتصاد معیشتی و ساختارهای جمعیتی نواحی روستایی کشور برشمرده که این عوامل در مجموع باعث شده است تا اقتصاد روستایی مانند عضوی فلج و ازکار افتاده به دنبال بدنه اقتصاد نفتی کشور کشیده شود و با گذر زمان نیز بر وخامت آن افزوده گردد؛ در حالی که وجود توانمندیها و ظرفیتهای بسیار در عرصه های روستایی، می تواند روستا را پشتیبان و تقویت کننده اقتصاد ملی قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- پاپلی یزدی، م. ح. (۱۳۸۲)، جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: مؤسسه توسعه روستایی.
- ۲- جوادیان، س. ا. و فرزانه، د. (۱۳۸۲)، «بیمه محصولات کشاورزی و نظام بهره‌برداری موجود در کشور». مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران چالش‌ها و چاره‌ها. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۳- حجتی، م. ح. (۱۳۸۰)، «توسعه کشاورزی و امنیت سرمایه‌گذاری». اقتصاد کشاورزی و توسعه. س ۹، ش ۳۳، صص ۲۰-۳۴.
- ۴- حسینی ابری، س. ح. (۱۳۸۲)، جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: مؤسسه توسعه روستایی.
- ۵- حقوقی، م. (۱۳۸۱)، «بررسی و نقادی کارکرد دولت در توسعه و صیانت از نظام بهره‌برداری در نیم قرن اخیر». مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، چالش‌ها و چاره‌ها. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۶- رسول اف، ج. (۱۳۸۰)، «بیمه کشاورزی، چشم‌انداز آینده». اقتصاد کشاورزی و توسعه. س ۹، ش ۳۳، صص ۴۱-۴۷.
- ۷- رسول اف، ج. (۱۳۷۴)، «تحولات سیاسی لازم برای توسعه کشاورزی و جایگاه کشاورزی در برنامه دوم توسعه اقتصادی». اقتصاد کشاورزی و توسعه. س ۳، ش ۱، صص ۹۵-۷۵.
- ۸- رضوانی، م. ر. (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: ققنوس.
- ۹- شیرزاد، ح. (۱۳۸۲)، «کارهای رفاهی تامینی در نظام‌های بهره‌برداری ایران (راهبرد خدمات بیمه اجتماعی بهره‌برداران)». مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۰- لمبتون، ال. اس. (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- محقق، م. ک. (۱۳۸۲)، «تحلیل نگرش‌های حفظ و صیانت زمین کشاورزی در دوره‌های اخیر و چاره‌اندیشی‌های لازم». مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۳. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۷۷. تهران:

مرکز آمار ایران.

۱۵- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۸)، مطالعات ارزیابی منابع ارضی. تهران.

۱۶- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵)، مطالعه تدوین راهبردها و سیاستهای توسعه اقتصادی روستاها. بخش دوم، جلد اول، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، دفتر برنامه ریزی و توسعه روستایی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی